حرف‌های امروز

همه چیز براساس سلیقه‌ها و حال و روز افراد رقم می‌خورد

بابک محمدی

■ یکی از مشکلات مدیران هنری در عدم توانایی‌شان در برقراری ارتباط با هنرمندان است. چرا مدیران ما خود را پشت هنرمندان مخفی می‌کنند، ماموریت آنها هدایت هنرمندان است. وزارت فرهنگ و هنر در هر کشوری، بزرگ‌ترین وزارتخانه است، چراکه وزارت مربوط به انسان‌پروری است اما مدیران هنری ما به وظیفه خودشان آگاه نیستند. آنها برای کار خیر انتخاب شده‌اند اما قدرش را نمی‌دانند و آنها به لطفی که خداوند در حق‌شان کرده، آگاه نیستند.

یکی از مشکلات کشور ما مدیران هنری هستند، چراکه بعد از گذشت ۳۰ سال، هنوز شرح وظایفی برایشان تعریف نشده است، بنابراین همه چیز براساس سلیقه‌های فردی و حال و روز افراد رقم می‌خورد، در این وضعیت هنرمندان بلاتکلیف هستند

همان‌طور که به مدیران بودجه می‌دهند، حتما باید برایشان شرح وظیفه هم تعریف کنند، در غیر این صورت شرایط مثل امروز می‌شود همه ناراضی‌اند، هنرمندان، مدیران و حتی معاون هنری. در حالی‌که کار همه ما حل کردن این مشکلات است و تئاتر به مدیران سپرده شده است، آنها باید سرپرستی کنند. در حال حاضر مدیران فکر می‌کنند، کارشان نگهبانی است و اینکه دایم بگویند «نه.» معلوم نیست بودجه و نیرویی که برای تئاتر تعریف می‌شود، چگونه هزینه خواهد شد. البته مشکل نداشتن شرح‌وظیفه، شامل اصناف هنری هم می‌شود حتی روسای انجمن‌های هنری نمی‌دانند، شرح وظیفه‌شان چیست؟! خجالت‌آور است در تئاتر که ذات آن مبتنی بر دیالوگ است نمی‌توانیم در گفت‌وگو به یک توافق ابتدایی برسیم، راه‌حل پیشبرد هنر مخالفت همگانی نیست. باید با وجود نظرات گوناگون با یکدیگر به یک نقطه مشترکی برسیم. ارزش عقاید به قدرت افراد نیست. در درجه اول باید یاد بگیریم به عقاید یکدیگر احترام بگذاریم، حتی اگر این عقاید، مورد قبول ما نباشد. تئاتر ما نه برای افراد حاضر برنامه‌ای دارد نه برای جوانانی هم که به این جمع اضافه می‌شوند، هیچ چشم‌اندازی ندارد. سیاستگذاری تئاتر ما باعث می‌شود تئاترهای زیرزمینی شکل بگیرند. طبیعت هنر تئاتر، باز کردن و حل کردن مشکلات تئاتر است نه ایجاد آن. مسوولان نباید از طرح مسایل و مشکلات در تئاتر هراس داشته باشند. طرح مشکلات در تئاتر بهتر از

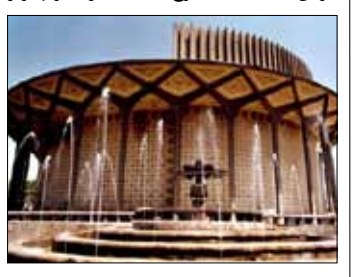

این است که در زیرزمین از مشکلات‌مان بگوییم اما مدیران هنری ما با سخت‌گیری‌های بی‌دلیل مانع از طرح مسایل در تئاتر می‌شوند و با این روش مشکلات بیشتری را به وجود می‌آورند. آخر کجای دنیا، در تئاتر شهرشان کارگاه خیاطی و نجاری را می‌بندند؟! این خندق‌هایی که دور تئاتر شهر کنده‌اند برای چیست؟! تئاتر مرکز فرهنگی و تولید فرهنگ است. رشد هر مملکتی در گرو امور هنری به ویژه تئاتر آن است اما در حال حاضر حتی خود ساختمان تئاتر شهر در روز هم وحشتناک است.

روزگاری گفتم بهترین مدیریت در کشور ما مدیریت بهشت زهرا (س) است، اما حالا حتی همان جا هم دچار ضعف شده است. در حالی که مدیران هر مملکتی ستون آن جامعه‌اند. در دوره‌ای مسوول فرهنگی فرهنگسرای نیاوران بودم. کلی برنامه داشتیم اما حالا چه اتفاقی در این فرهنگسرا می‌افتد؟ هیچ. کلاغ‌ها پر می‌زنند. در همین جشنواره تئاتر فجر، پیتر اشتاین را دعوت کردند. خود او برای تمام جشنواره ما کافی بود، او هنرمندی نیست که به راحتی هر جایی برود اما ما بلد نبودیم از حضور او استفاده کنیم. اینها اسراف است. اسراف که فقط در خوردن نیست در علم و دانش هم هست. مشکل ما فقط تئاتر نیست. سینما هم هست. منتها چون عده‌ای از سینما بهره مالی می‌برند، این وضع مبتذل به گونه‌ای دیگر ادامه دارد. سینما برای عده‌ای نان درمی‌آورد اما برای عده‌ای دیگر خجالت‌آور است. بعد از انقلاب در آن شرایط بسیار مشکل، سینمای ایران در تمام دنیا حرفی برای گفتن داشت اما امروز چنین نیست. من رییس اولین جشنواره فیلم‌های ایرانی در اتریش بودم. آن زمان فیلم «باشو غریبه کوچک» را در یک روز هشت بار اکران کردیم و باز هم تماشاگر داشت. مردم سینمای ایران را می‌خواستند. اما حالا سینمای ما به کجا کشیده شده. حتی بیلبوردهایش خجالت‌آور است. اسم فیلم‌های ما شده، «داماد فراری»! آخر این هم شد تفکر؟! چرا سینمای ما را آسیب‌شناسی نمی‌کنند؟! سینمایی که آن همه شهرت جهانی داشت چه شد که به اینجا رسید؟ آن زمان همه مدیران دولتی بودند و بودجه داشتند اگر تلویزیون طرح ساخت و پخش فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای را پی نمی‌گرفت، سینمای ایران نابود شده بود، چون هنرمندان سینما از بین رفته بودند.

منبع: ایسنا

به دنبال آینده‌ای روشن

غلامحسین نامی
رییس انجمن نقاشان ایران

من احساسی دارم که تا یادم نرفته باید بگویم. در طول این ۴۰ سال که ما در حیطه هنر نقاشی فعالیت می‌کنیم، واقعا برای اولین بار است که می‌بینیم وزیری که مسوولیت فرهنگ و هنر کشور را دارد، به جامعه هنری احترام گذاشته و قبل از اینکه برود و از مجلس رای بگیرد برای وزارت، هنرمندان را جمع کرده و شور و مصلحت کرده و مشکلات را پرسیده است. این بسیار مهم است، یعنی اتفاقی است که امیدواریم آینده روشنی برای ما ترسیم کند.به هر حال، این احساس را باید بیان می‌کردم و فکر می‌کنم که بعد از جناب مهاجرانی- که فعالیت انجمن ما که بسیار اهمیت داشته و همه انجمن‌های هنری را که تشکیل شده باید از اقدام‌های ایشان و آقای خاتمی بدانیم- چشم همه ما روشن خواهد بود به‌اقدام‌های خیرخواهانه و هنردوستانه آقای مسجدجامعی.قرار است که گزارشی بسیار کوتاه، از انجمن نقاشان بدهم. در طول ۷۰ سال هنر نقاشی معاصر ما، برای اولین بار است که این انجمن تاسیس شده است. بنده خود با کمک دیگر دوستان، قبل از انقلاب دوسه بار سعی کردیم که انجمن تاسیس کنیم، ولی نتوانستیم. این موضوع دلایل متفاوتی داشت. اما این‌بار، به دلیل فضای متفاوتی که برای تشکیل انجمن‌های صنفی هنر آماده شده بود، توانستیم در سال ۷۶ دوستان هنرمند نقاش را جمع کنیم و یک هیات موسس تشکیل دهیم و طی یک‌سال اساسنامه انجمن را نوشتیم. در این یک سال هفته‌ای یک جلسه داشتیم و اساسنامه را چندین بار تدوین کردیم تا بالاخره در سال ۷۷ به تصویب رسید و ثبت شد. در اسفند ۱۳۷۷ مجمع عمومی گذاشتیم که هیات‌مدیره اصلی انجمن را انتخاب کرد. در این مدت برای ایجاد هفت کمیته، که مهم‌ترین نقش را در ساماندهی انجمن نقاشان دارند، آیین‌نامه نوشتیم. در این مدت آیین‌نامه‌های کمیته‌ها را نوشتیم و خوشبختانه کمیته آموزش همین هفته پیش اولین جلسه آموزشی خود را شروع کرد و یک برنامه فعال زمستانی در چهار زمینه خواهد داشت.کمیته انتشارات و کمیته نمایشگاه‌ها کارشان را شروع می‌کنند. در حقیقت، انجمن هنرمندان نقاشی ایران تازه شروع کرده به فعالیت. ما اکنون در حدود ۲۰۰ عضو داریم، زیرا اول سعی کردیم استادان و هنرمندان پیشکسوت و فعال جامعه هنری را جذب کنیم و خوشبختانه این ۲۰۰ نفر همه فعال‌اند و همه از هنرمندان و استادان دانشگاه هستند. فراخوان عام را در اسفندماه خواهیم داد، که همه نقاشان کشور می‌توانند با شرایط اساسنامه، عضو انجمن شوند. بودجه انجمن هم جزو حق عضویت اعضا نیست و امیدواریم کمیته‌های ما، از جمله کمیته آموزش که مهم‌ترین رکن این انجمن است، کلاس‌ها و کارگاه‌هایی تشکیل دهد که از طریق آنها بتوانیم درآمدی داشته باشیم. البته، به عنوان شهروند ایران و یک نهاد فرهنگی- هنری، حق خود می‌دانیم که کمک‌هایی از دولت دریافت کنیم، همچنین، تا آن حد که به استقلال انجمن خدشه‌ای وارد نکند، دست رد به کمک هیچ‌کس نمی‌زنیم. با وجود این، انجمن ما مستقل است و در چارچوب قوانین جاری و اساسنامه‌مان مطالبات و تقاضاهایی داریم که امیدواریم به تدریج به کسب آنها نایل شویم.

پرهیز از ابتذال‌زدگی و سیاست‌زدگی

غلامحسین امیرخانی*

احمد مسجدجامعی را بیشتر به عنوان یک همکار فرهنگی و هنری می‌شناسیم که سال‌های طولانی در کنارشان بودیم و این احساس بسیار خوبی است که بدون تعارف و به دلیل شیوه‌های بسیار صمیمانه‌ای که در اخلاقیات ایشان بوده، این ارتباط را تا آنجا که بنده یادم می‌آید بیش از ۱۶-۱۷ سال است که داریم. به هر حال، بنده به سهم خود سپاسگزارم از اینکه همان اخلاق و آدابی که از شخصیت عزیزشان انتظار داشتیم تحقق پیدا کرده است. ایشان قبل از آنکه به مجلس تشریف ببرند برای اخذ رای اعتماد، برای مشورت و نظرسنجی به خانه هنرمندان ایران- که امیدوارم با عنایت مسوولان عزیز فرهنگی و هنری کشور هرچه زودتر به یک کانون و مرکز بسیار تعیین‌کننده و یک نام بامسما که شایسته کشور ما باشد تبدیل بشود- آمد و امروز هم می‌بینم که به این سنت پسندیده عمل کرده و با عنایت ویژه‌ای در جمع صمیمی استادان و هنرمندان عزیزمان هستند. این حرکت هم در خور توجه است. اگر ما به طور عادی می‌خواستیم تجمعی این چنین داشته باشیم، کمتر امکان داشت فرصت دیدار و برخورداری از مصاحبت و تجارب همدیگر را پیدا بکنیم. بنابراین، چنین تجمعی خیر و برکتش بیش از آن است که بشود در این فرصت از آن صحبت کرد؛ مخصوصا به لحاظ اینکه در کشور ما چنین محل و سالنی وجود نداشته است. به هر حال، دعای خیر هنرمندان بزرگ این مملکت- در هر صنف و گروهی که بوده‌اند- و همین‌طور دعای نسل حاضر و نسل آینده هنرمندان ما نثار نیات پاک و اراده عزیزانی باد که موجب تشکیل این خانه شدند.شاید دو مساله خیلی مهم، به عنوان آفات اصلی هنر در شکور ما بتواند مورد شناسایی قرار گیرد. یک مساله که باید صراحتا بیان کنیم، ابتذال و ابتذال‌زدگی است و دومی که در نقطه مقابل آن قرار دارد سیاست‌زدگی است. از این‌رو، اگر بتوانیم طوری برنامه‌ریزی کنیم که جامعه هنری و فرهنگی ایران از این دو آفت حتی‌المقدور برکنار بماند، می‌توانیم امیدهایی خیلی بیشتری داشته باشیم.هنرمند مثل کسی است که از دو جانب مظلوم واقع می‌شود. یکی اینکه تمام عمر و جوانی خود را می‌گذراند برای اینکه بتواند فی‌المثل، آن فرکانسی را که گوش عادی قادر به شنیدن آن نیست، بگیرد و ضبط کند و در حدی که مردم عادی بتوانند آن را بشنوند تنظیم کند و به عنوان اثر هنری عرضه کند؛ با طیف نوری را که مثلا مادون قرمز است و مردم عادی قادر به دیدن آن نیستند. هنرمند باید با چشم خود طوری آن را تنظیم کند که بازتابش یک نور موثر دلگرم‌کننده به جامعه باشد. بنابراین، هنرمند در همه عمر و جوانی، مشغول چنین تنظیم‌هایی است و البته این امر به قدری فرار است که مسلط‌ترین و تواناترین هنرمند نمی‌تواند مطمئن باشد که فرد بتواند این کلمه را بنویسد، این نت را بنویسد، این مجسمه را بسازد. باید همیشه در حال خوف و رجا به سر برد.اصلا نمی‌تواند به فکر این باشد که کرایه خانه‌ام چه شد، خانه‌ام چه شد و حتی بچه‌ام چه شد. آنهایی که جدی هستند در کسب فضیلت و هنر، به همین دلیل، از زندگی عادی بیشتر عقب می‌مانند و اینجاست که مدیریت هنری جامع بسیار تعیین‌کننده است که چگونه زندگی هنرمندان را تامین کند که دغدغه معاش روزانه نداشته باشند. آقای مسجدجامعی، استادانی طراز اول داریم که الان برای تامین معاش خود مشکل دارند. ما نمی‌خواهیم از این بابت صحبتی بکنیم و شما هم البته اطلاع دارید. نقش مدیریت را می‌خواهم، بگویم که چقدر مهم است. امیدواریم که پایه‌گذاری این کار به نام حضرت‌عالی، که حق آب و گل دارید در این وزارتخانه مبارک باشد و ان‌شاءالله به یادگار بماند.

***رییس شورای عالی خانه هنرمندان ایران**

تئاتر همیشه مظلوم است

ایرج راد
رییس هیات مدیره خانه تئاتر

تئاتر، در طول عمر خود در کشور ما، همیشه فراز و نشیب‌هایی داشته است.هر وقت حمایت شده و مسوولان نسبت به آن احساس مسوولیت کرده‌اند، این هنر توانسته خود را نشان بدهد و آثاری بسیار مثبت و مهم در جامعه بگذارد و ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با تماشاگران خود برقرار کند. آنچه مهم است وجه فرهنگی و وجه هنری تئاتر است؛ یعنی از هر دو وجه برخوردار است و به طبع دارای جذابیت خاص خود است. اما همیشه مظلوم واقع شده و مسوولان همیشه اذعان کرده‌اند که تئاتر مظلوم واقع شده است، ولی هیچ‌گاه فکری جدی درباره آن نشده است. اگر شده، مقطعی بوده است. گاه، در یک زمان خاص، توانسته به رشد نسبی برسد، اما بنا به دلایلی، خیلی زود کنار گذاشته شده است. آنچه باید به خدمت شما عرض کنم این است که از سال ۱۳۷۷ هیات موسس خانه تئاتر تشکیل شد. در حقیقت آن هیات موسس هم به کمک مرکز هنرهای نمایشی و به همت حسین سلیمی و مهندس کاظمی شکل گرفت. هیات موسس بعد از پنج یا شش ماه اساسنامه خانه تئاتر را نوشت و دعوت عام کرد که در آن دعوت عام کسانی به عنوان اعضای موقت انتخاب شدند تا مجدد روی اساسنامه کار کنند. بعد از شش ماه اساسنامه نهایی نوشته شد و از طرف حدود ۸۰۰ نفر هنرمند عضو موقت به تصویب رسید و به دنبال آن هیات مدیره انتخاب شد. هیات مدیره خانه تئاتر در این مدت به بررسی مشکلات و مسایل تئاتر کشور پرداخت و اولین فکری که به نظرش رسید این بود که خانه تئاتر نمی‌تواند در تهران به عنوان خانه تئاتر ایران قلمداد شود، چون هنرمندان تئاتر در سراسر کشور هستند و تئاتر هر استان و هر شهرستان مسایل خود را دارد. طبیعتا باید به نحوی عمل بشود که خانه تئاتر بتواند در تمام مراکز استان‌ها تشکیل شود و یک ارتباط کاملا نزدیک با هم در کلیه جهات داشته باشند. مورد دیگر اینکه، خانه تئاتر سعی‌اش بر این بود که انجمن‌های مختلف را هر چه زودتر تشکیل دهد تا به حال انجمن بازیگران، انجمن کارگردانان، انجمن نمایشنامه‌نویسان، انجمن نمایشگران عروسکی، انجمن مدرسان و پژوهشگران تئاتر تشکیل شده است. انجمن طراحان هنری و فنی، کار تدوین آیین‌نامه خود را به پایان رسانده‌اند و امروز من اطلاع پیدا کردم که اینها هم کارشان را به زودی شروع خواهند کرد. می‌ماند انجمن منتقدان و انجمن نمایشگران سنتی که از قبل دارای تشکیلاتی بودند و با آنها هم گفت‌وگو شده که چگونه به خانه تئاتر بپیوندند. در حقیقت، خانه تئاتر یکی از فعال‌ترین و گسترده‌ترین انجمن‌هاست که در تمام عرصه‌ها و رشته‌ها فعالیت دارد، به‌طوری که در همان مرحله اول حدود ۸۰۰ نفر عضو موقت گرفت و پیش‌بینی می‌کنیم که اعضای خانه تئاتر به سه الی چهار هزار نفر برسد. بنابراین، آنچه برای ما حائز اهمیت است تامین یک محل مناسب برای خانه تئاتر است که بدون آن نمی‌توانیم جلسات خود را تشکیل بدهیم. گرچه در طی این مدت واقعا خانه هنرمندان ایران تمام سعی و کوشش خود را کرده که این انجمن‌ها در ساعات مناسب، جلساتی داشته باشند و در شکل دادن این جلسات و حتی گردهمایی‌ها تلاش بسیار کرده است و ما کمال تشکر خود را از خانه هنرمندان ایران به‌خصوص بهروز غریب‌پور اعلام می‌کنیم؛ اما نیاز به یک محل اختصاصی جدی است. مساله دیگری که بعد از انتخابات انجام شد و در پی آن بودیم که اساسنامه تهیه‌شده را از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تصویب برسانیم که با مشکلاتی برخورد کردیم که البته با راهنمایی‌های وکیلی که در این زمینه داریم این مشکلات برطرف شده است و امیدواریم که هر چه زودتر بتوانیم خانه تئاتر را رسما به ثبت برسانیم.

ایجاد یک نظام حقوقی و حرفه‌ای

مرتضی ممیز*

طراحان گرافیک، حدودا ۳۵ سال تلاش می‌کردند که یک انجمن مثل همین انجمنی که سه سال است تشکیل شده، ایجاد کنند. الحمدلله، با مساعدت‌های آقای کاظمی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توانستیم این انجمن را تشکیل بدهیم. در این مدت، کاری که برای ما اهمیت بسیار داشت پدید آوردن یک منشور حرفه‌ای است که از قرار، هیچ انجمنی در ایران این کار را نکرده است. هدف از این منشور حرفه‌ای، ایجاد یک نظام حقوقی و حرفه‌ای برای اعضای انجمن است تا این حرفه ما به عنوان یک حرفه رسمی شناخته شود.

از کارهای دیگر، که البته از سال ۱۳۶۶ تاکنون انجام شده است، تعیین و انتشار تعرفه پایه قیمت‌های طراحی گرافیک بود. فعالیت دیگر، تشکیل کمیته‌های تخصصی انجمن بود که واقعا مورد احتیاج بود. همچنین یک سایت برای انجمن در اینترنت برقرار کردیم که هدفش معرفی آثار هنرمندان ایرانی در سطح جهان است. در انجمن «ایکو» عضو شدیم. انجمن ایکو انجمنی است متشکل از انجمن‌های گرافیک کشورها. از این طریق، به راحتی با همه انجمن‌های گرافیک دنیا در ارتباط بسیار نزدیک و روزانه قرار گرفتیم و توانستیم یکی از اعضای انجمن خودمان را به عنوان عضو هیات مدیره ایکو مطرح و تصویب کنیم. یک نشریه داخلی، برای اطلاع‌رسانی انجمن به طور ماهانه و مرتب منتشر کردیم که از طریق آن مسایل خبری، صنفی، فرهنگی، آموزشی و مقولاتی از این قبیل را به اطلاع اعضا و همکاران می‌رسانیم. همچنین در تدارک «کتاب سال» هستیم که امیدواریم از آثار اعضای انجمن منتشر شود، شامل حدود ۲۰۰ اثر از بهترین کارهایی که هر دو سال در ایران ارایه می‌شود. تعداد زیادی سخنرانی آموزشی در دانشگاه‌ها و چند سمینار در همین خانه هنرمندان داشتیم، درباره مشکلات حرفه‌ای و صنفی خودمان و سایر اصنافی که به نحوی در کار تولید امور گرافیکی هستند، مثل چاپ، لیتوگرافی، صحافی و غیره. اینها به منظر من، برای دانشجویان و به‌خصوص طراحان جوان گرافیک، بسیار موثر و فوق‌العاده مفید است.

نمایشگاه‌هایی برپا کردیم و در نمایشگاه‌های بازرگانی تهران از منظر طراحی و بسته‌بندی شرکت کردیم. اینها مسایل ساده است. کار بزرگ انجمن، جمع‌آوری آثار هنرمندان گرافیک معاصر ایران است. انجمن یک کمیته موزه دارد که با تیم خود حدود سه سال است در تلاش است که یک ساختمان مناسب برای موزه گرافیک ایران در اختیار بگیریم و موزه را رسما تشکیل دهیم. از وزارت فرهنگ و ارشاد سلامی موافقت گرفتیم که یک نمایشگاه دوسالانه آثار گرافیک برگزار کنیم. از چندین طراح سرشناس و بین‌المللی گرافیک دعوت کرده‌ایم که سه نفرشان پارسال به ایران آمدند و سه نفر دیگر در اردیبهشت آینده خواهند آمد. (۱۳۷۸)

***رییس وقت هیات مدیره طراحان گرافیک**

آغاز یک فعالیت

کامران شاهین‌فر

تاریخچه انجمن‌ها و کانون‌هایی که معماران در کشور ما داشته‌اند، باز می‌گردد به سال ۱۳۲۳ که اولین انجمن معماران دیپلمه در آن سال شکل گرفت و دومین انجمن متشکل از آرشیتکت‌های ایران بوده است که در سال ۱۳۴۵ کار خود را آغاز کرد. اما جامعه معماران ایران که با شکل‌گیری خانه هنرمندان در همین‌جا شکل گرفت و فعالیت خود را آغاز کرد، از حدود یک سال پیش تشکیل شده و گستره وسیع فعالیت‌هایی را که معماران در سطح کشور دارند چه در زمینه طراحی، ساخت، آموزش و برنامه‌ریزی، چه در عرصه مدیریت و صنایع، در طول یک سال گذشته، شاید بیشترین استفاده را از فضا و امکانات خانه هنرمندان، انجمن‌ها و گروه‌های وابسته به جامعه معماران برده‌اند و کانون فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران، کانون فارغ‌التحصیلان دانشگاه علم و صنعت، کانون فارغ‌التحصیلان دانشگاه شهید بهشتی از انجمن‌هایی هستند که در اینجا فعالیت داشتند. در حدود هشت هزار معمار تحصیلکرده ۲۰ و چند دانشگاه معماری ایران و چند دانشکده خارجی در این کشور هستند که در دورافتاده‌ترین و نزدیک‌ترین نقاط کشور نسبت به مرکز در زمینه‌های عمرانی- چه معماری و چه شهرسازی- فعالیت دارند.

***نماینده کانون مهندسان معمار ایران**

حرف‌هایی از گذشته

نمی‌توان گذشته را فراموش کرد

مجید مجیدی

■ باروری فرهنگ و هنر ایران زمین مدیون خون هزاران شهیدی است که برای آزادی این سرزمین در خاک و خون غلتیدند. حرف‌های ما در تاریخ ثبت می‌شود، مخالف‌گویی همیشه فضیلت نیست، من به شرایط و بعضی مسایلی که وجود دارد و به ویژه در بخش فرهنگ و هنر دیده می‌شود انتقاد دارم و انتقادها و اعتراض‌هایم را مطرح کرده‌ام، اما نباید مخالف‌خوانی کرد. نمی‌شود واقعیتی را کتمان کرد، سینمای ایران، سینمایی ۱۰۰ ساله است، ۷۰ سال از تاریخ سینما قبل از انقلاب اسلامی بوده و کیفیت آثار این دوران را نمی‌توان با هم مقایسه کرد، آثار درخشان سینمای ایران در آن دوران به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد، در ۳۰ سال اخیر کشور ما هزاران شهید داشته و ما مدیون خون شهدای این سرزمین هستیم. بسیاری از فیلمسازان ما بهترین فیلم‌هایشان را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساخته‌اند. البته تلاش فردی این عزیزان هم مهم بوده اما نمی‌توانیم واقعیت را انکار کنیم، نمی‌شود بر فضای فرهنگی پس از انقلاب و تلاش‌هایی که شده خط بطلان کشید، اینها وظیفه و رسالت من بود که باید عنوان می‌کردم، به عنوان فیلمسازی برخاسته از دل انقلاب اسلامی به عهده من بود که این مسایل را عنوان کنم.

در جشن کانون کارگردانان

کاش دست از لجاجت بردارند

محمدمهدی عسگرپور

■ در دنیای امروز دوره اداره کردن امور مختلف توسط دولت تمام شده و نهادهای صنفی در جامعه پررنگ‌تر و فعال‌تر شده‌اند. داشته‌های سینمای ایران آنقدر وسیع است که از هم پاشیدن آن ساده نیست. دوره اداره کردن حوزه‌های مختلف توسط دولت در همه جای دنیا به سرآمده، دوره این هم گذشته که با سرمایه‌های بخش خصوصی بشود به تنهایی کار را پیش برد. در دنیای متمدن قدرت دادن به نهادهای صنفی پل ارتباطی مردم و دولت‌ها و پیش برنده امور است، مملکت باید به این سمت برود، نهادهای صنفی باید فعال‌تر شوند، امیدوارم آنهایی که لجاجت می‌کنند تا نهادهای صنفی را ضعیف کنند دست از لجاجت بردارند. امیدوارم این دوستان به خانواده سینما و به داشته‌های آن برای رشد و بالندگی سینمای ایران کمک کند.

مدیرعامل خانه سینما - خرداد ۹۰

جدول ۲۲۵

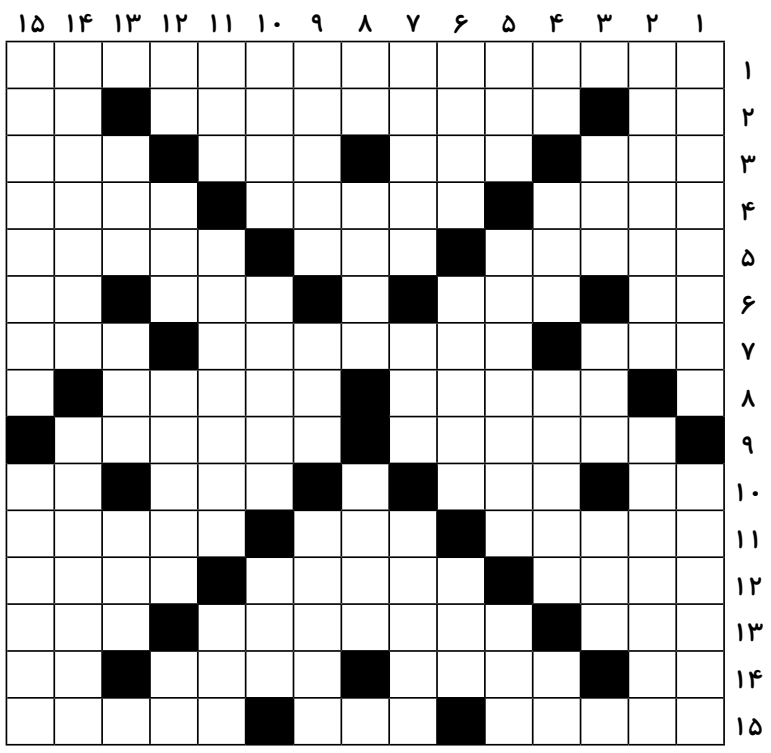

حل جدول ۲۲۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	گ	ا	ر	م	و	ن	■	ا	ح	س	ا	ن	■	ر	ا
۲	ر	ی	س	■	ک	س	ر	و	ر	ی	■	ا	د	ا	ت
۳	ا	م	■	ش	و	ر	و	ی	■	م	ا	ک	ا	ی	و
۴	ن	ا	م	و	■	ر	ب	ز	ب	ا	ش	■	ی	ش	م
۵	ی	■	ا	ف	س	ا	ر	■	ا	ن	و	ا	ر	■	ا
۶	ت	ک	ل	■	ا	ق	و	ا	ل	■	ب	ر	ه	و	ت
۷	■	ا	ز	م	ی	ر	■	ب	ی	ر	ی	ا	■	ز	ی
۸	ا	د	ی	ب	■	ا	و	ا	ن	س	■	د	ل	ا	ک
۹	ل	ی	■	ا	ک	ر	ا	د	■	ت	ا	ت	ا	ر	■
۱۰	ا	ز	ا	د	ی	■	د	ی	ن	ا	م	■	م	ت	ن
۱۱	پ	■	م	ا	و	ر	ا	■	ا	ک	ا	ب	ر	■	ه
۱۲	ل	ن	ا	■	ا	ج	ر	ا	م	■	د	ی	د	ا	ر
۱۳	ن	ا	ر	و	ن	ی	■	ف	ر	ا	ه	م	■	ر	و
۱۴	گ	و	ه	ر	■	ن	و	ا	د	ه	■	ا	س	ی	ا
۱۵	ی	ک	■	ع	ل	ا	ی	ق	■	م	ه	ر	گ	ا	ن

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۲۵

	۷							۱
۵	۱		۶			۹		
		۲					۵	
	۲	۸	۵	۶		۷		۴
۴		۷		۱	۲	۶		۵
				۴	۸			
	۵			۸	۹		۴	۶
	۴							
۳		۶			۱			

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۲۲۵

۷	۸	۵	۲	۳	۱	۴	۹	۶
۶	۹	۲	۴	۵	۸	۳	۷	۱
۱	۴	۳	۷	۶	۹	۲	۵	۸
۵	۳	۷	۱	۹	۴	۶	۸	۲
۲	۶	۴	۵	۸	۳	۷	۱	۹
۹	۱	۸	۶	۷	۲	۵	۴	۳
۴	۷	۱	۹	۲	۶	۸	۳	۵
۸	۲	۹	۳	۴	۵	۱	۶	۷
۳	۵	۶	۸	۱	۷	۹	۲	۴